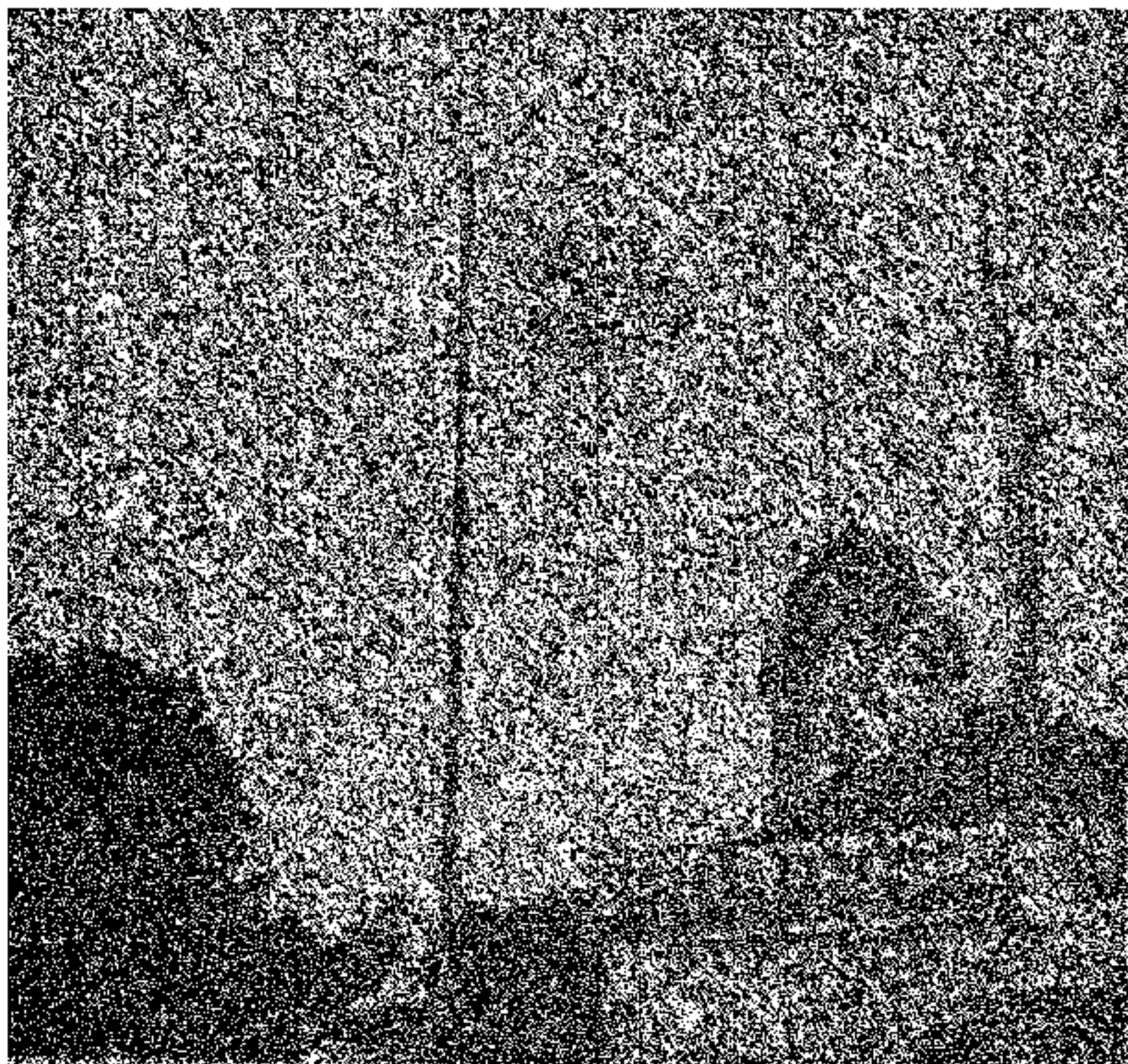
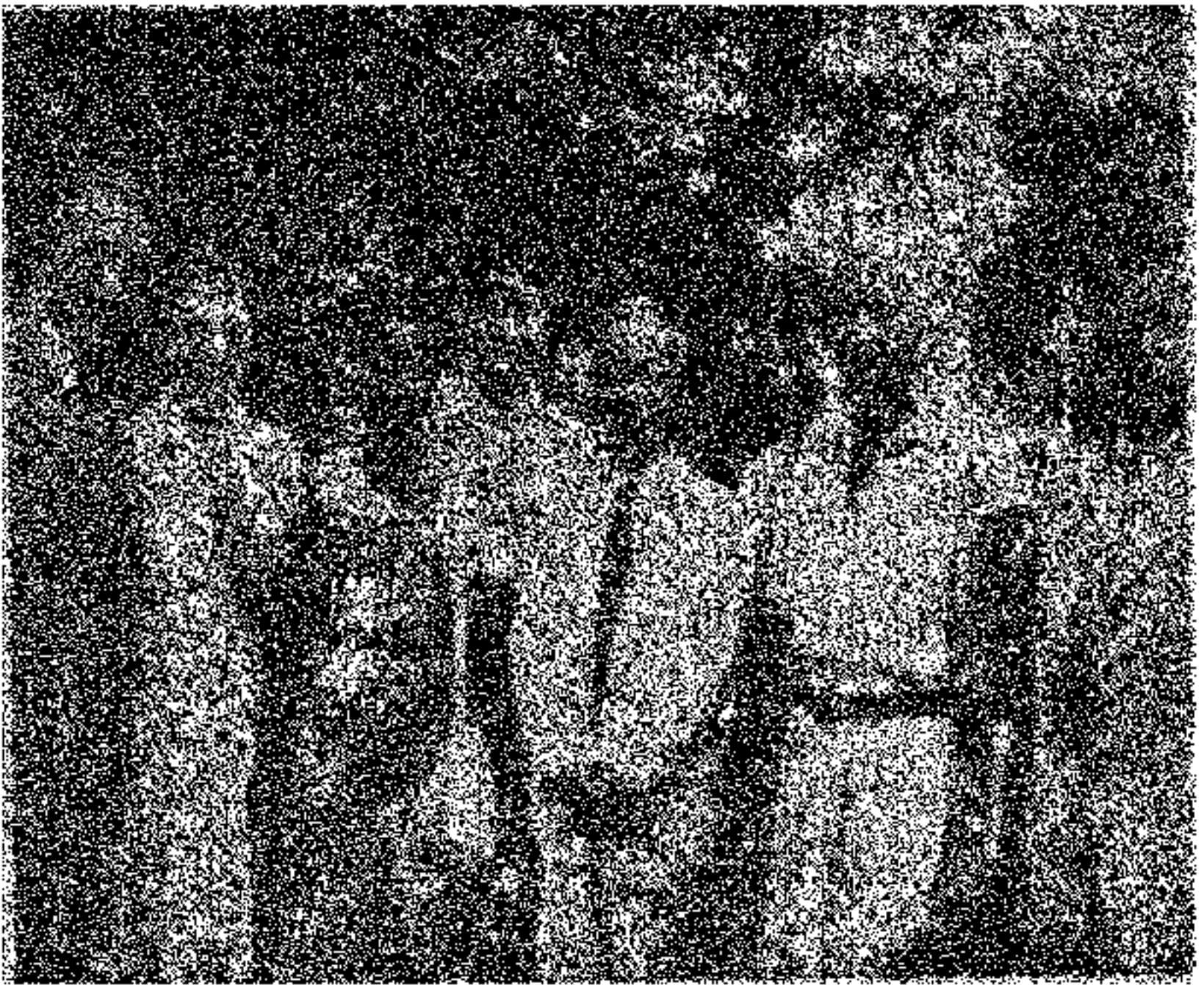


يك وضع پست تری قرار دارد و خود را مردود می‌شمارد
 بنا به جهت بالاضورت دارد که کلیه کشورهای اروپا بنحوی منظم
 مطالعاتی را که در خصوص زندگی کودکان بعمل آمده است تدوین کنند
 و اطلاعات حاصل از خانواده‌ها و مربیان را، که خواهند توانست شیوه‌های
 متداول را برای تربیت کودکان نواحی مختلف جهان و بمنظور احراز
 شایستگی ایفای نقش «شرکت کنندگان مسؤل» در زندگی ملی تعبیر و بیان
 کنند، جمع آوری نمایند. کافی نیست که يك نفر آمریکائی مطالعاتی را که
 درباره کشور فرانسه بعمل آورده است یادداشت کند، بلکه باید فرانسویان
 هم آنچه را که در پیرامون ایشان می‌گذرد یادداشت باشند، زیرا تنها آنان
 هستند که از داخل خود میتوانند تصویر کاملی بسازند. اغلب برای کسانی که
 در داخل يك کشور بسر می‌برند مشکل است توجه کنند که مشاهدات آنان
 يك حقیقت بارز و مسلمی را تشکیل نمیدهد؛ هر کس میل دارد این طور
 تصور کند که آنچه در تمدن خاص کشور او مشاهده میشود بطور ساده از
 «طبیعت انسانی» ناشی میگردد. لیکن سنجش و مقایسه این تمدن با تمدنهای
 دیگر نشان میدهد که این تصور با حقیقت تطبیق نمیکند. اگر میخواهیم
 بشناسائی و محترم شمردن عقاید و حل مسائل اجتماعی متفاوتی که بین
 ملل مختلف جهان وجود دارد نائل شویم؛ بایستی کسانی که مأمور مطالعه تعلیم
 و تربیت کودکان هستند در نظر بگیرند که وظیفه ایشان از بسیاری از
 موضوعات ساده مربوط بتجدید نظر در برنامه‌ها تجاوز میکند. ما بایستی از
 يك واقع بینی و يك نوع اغماض و نرمش، که بنا در تقویم ارزش واقعی عوامل
 مختلف کمک خواهند کرد، برخوردار گردیم زیرا با استفاده از این نیروها
 هر ملتی میتواند در ایجاد دنیائی که دوست میداریم در آن زندگی کنیم،
 اشتراك مساعی کند.



پروچم سازمان ملل متحد بر فراز کاخ « پودبرادی » که دوره کارآموزی
در آن برگزار شده در اهتزاز است .



دکتر روت بندیت (نفر دوم از راست) در بین عده‌ای از شرکت کنندگان .

نقشه تحقیقات دربارهٔ تعلیم و تربیت کودکان در تمدن های مختلف

یادداشت حاضر در حدود تحقیقات دانشگاه کامبیا راجع به تمدنهای معاصر تنظیم شده است. دکتره بندیت، آنرا بدورهٔ کارآموزی تحقیقات عملی عرضه کرده است تا نوع اطلاعاتی را که بررسی تطبیقی تعلیم و تربیت کودکان در کشورهای مختلف اقتضا میکند، نشان دهد. مؤلف در این یادداشت یک سلسله از موضوعات مورد بحث را نام برده و شیوه های مختلف را مخصوصاً برای بررسی تصورات دوران کودکی، جهت اجراء آنها توصیه کرده است (رجوع شود به بررسی پدیده های ناشی از تصورات کودکان). انتخاب یکی از این شیوه ها منوط به ملاحظات مربوط به سادگی و سهولت استفاده از آن است.

یک چنین تحقیقاتی هنوز از مرحلهٔ ابتدائی خود فراتر نرفته است، ولی باید امیدوار بود که این اقدام برای کسانی که باین مسائل مهم علاقه مندند مفید واقع شود.

۱- موضوعات بررسی

مسائل مذکور در ذیل بحالات مختلف زندگی اجتماعی کودکان مربوط است. برای پاسخ دادن بآنها، میتوان از مکالمات کودکان (گفتگو، پرسش)، از مطالعه مدارک منتشر شده؛ یا بطوریکه قبلاً بیان گشته از مشاهدات مستقیم، یا از توضیح پدیده های ناشی از تصورات کودکان استعانت جست. این فهرست محدود نیست و در صورتیکه از طریق سؤال استفاده گردد اغلب از طرح مسائل مختلفی که غیر مستقیم پیش می آید، اجتناب خواهد شد.

الف- بررسی وضع نسبت پدر و مادر.

چه فوائد و چه مضاری، از نظر افکار عمومی؛ در داشتن اولاد وجود

دارد؟ تعداد مطلوب اولاد کدام است؟ نداشتن اولاد را چگونه تلقی میکنند؟ آیا وسائلی برای مداوای نازایی و یا محدود کردن توالد و تناسل وجود دارد؟ در مورد کودکانیکه از روابط غیر قانونی بوجود آمده‌اند و همچنین دربارهٔ یتیمان چه حقوقی در نظر گرفته شده است؟ پذیرفتن بفرزندی چه شرایطی دارد؟

ب- دوران حاملگی.

بطور کلی، احساسات عادی يك زن باردار چیست؟ چه تغییراتی دوران حاملگی از نظر رژیم غذایی، روابط زناشویی، کار و غیره در طرز زندگی او همراه دارد؟ آیا مادر آتی به احساس میکند که از نظر ایجاد يك کودک سالم خود را باید از بعضی جهات ممنوع یا مجاز بداند؟ آیا پدر یا سایر اعضاء خانواده مقید بر رعایت بعضی ملاحظات هستند؟

ج- ولادت.

عکس العمل مادر، پدر یا هر شخص دیگری در مقابل درد ورنج زایمان چگونه است؟ آیا از وسیلهٔ بی‌هوشی استفاده میکنند؟ چه کسی در ولادت کودک کمک میکند؟ محل ولادت کجاست؟ کودک پس از زایمان از مادرش جدا میشود؟ بمنظور تأمین سلامت نوزاد چه تدابیر احتیاطی و مراسمی وجود دارد؟ آیا این اعمال بر حسب دختر یا پسر بودن نوزاد تفاوت میکنند؟

د- تغذیه.

۱- شیردادن. چه مدتی پس از ولادت کودک برای نخستین بار تغذیه میکند؟ آیا از پستان یا بوسیلهٔ پستانک تغذیه میکند؟ بوسیلهٔ چه کسی؟ هنگام شیردادن کودک را در چه حالت و وضعی قرار میدهند؟ چه موقعی کودک تغذیه میکند؟ هنگامیکه گریه میکند یا در فواصل زمانی معین؟ آیا گاهی از غذا دادن با خود داری میشود؟ در صورت مثبت بر او چه میگردد؟ وقتیکه کودک دیگر نمیخواهد بنوشد، آیا چنین نتیجه گرفته میشود که

دیگر گرسنه نیست یا اینکه بزور میخوابند باو بخوراند؟ عکس-
 العمل مادر نسبت بشیردادن از پستان چیست؟ آنرا مطبوع تلقی میکند
 و این عمل را سهل میانگارد یا بلحاظ از دست دادن سلامت و زیبایی خود از آن
 بیم دارد؟ مادر یکه شیر بعد کافی ندارد چگونه تلقی میشود؟ آیا طی دوران
 شیردادن، روابط زناشویی تابع محدودیت هائی قرار میگیرد؟

۲- از شیر گرفتن چه موقعی انجام میشود؟ در يك سال معین یا در
 سنین متفاوت بر حسب عکس العمل هائی که هر کودک از خود نشان میدهد؟
 موقعی که مادر مناسب تشخیص میدهد یا وقتی که مادر در انتظار کودک
 جدیدی است؟ آیا باین حساب که کودک گاز میگیرد یا دندان در میآورد؟ از
 شیر گرفتن کودک روز بعد از تصمیم عملی میشود یا متدرجاً؟ آیا مادر برای
 منزجر کردن طفل از پستان باو تلقین میکند؟ آیا قبل یا بعد از شیر گرفتن
 چیز هائی مثلاً پستانک برای مکیدن بکودکان میدهد؟ برای تسهیل دندان در
 آوردن کودک چیز هائی بآنها میدهد که گاز بگیرند؟ آیا از شیر گرفتن
 يك نتیجه مفروض در کودک بیار میآورد و در صورت مثبت، آن کدام
 است؟ در باره کودکی که انگشت خود را میمکد چه روشی بکار میبرند؟

۳- تغذیه مواد جامد. از چه موقعی تغذیه مواد جامد ضمن رژیم
 غذایی کودک شروع میشود؟ قبل یا پس از شیر گرفتن؟ نخستین غذاهای
 جامد چیست؟ آنها را چگونه بکودکان میدهند؟ با قاشق، با دست، یا
 قبلاً بوسیله مادر جویده میشود؟ غذای کودک را جداگانه میدهند یا با
 بقیه اعضا خانواده؟ چه موقعی غذای کودک را میدهند؟ هنگامی که
 گرسنه است یا در فواصل زمانی معین؟ آیا بیم دارند از اینکه کودک از
 خوردن غذا امتناع کند، یا بقدر کافی غذا نخورد؟ در این صورت چه
 روشی در قبال او پیش میگیرند؟ آیا میترسند از اینکه کودک زیاد بخورد؟

در این صورت نیز با او چه میکنند ؟

غذاهائی که بخصوص برای کودکان مفید یا مضر تشخیص داده میشوند، کدام هستند ؟ نسبت به چه اغذیه‌ای کودکان احساس اشتها یابی میلی میکنند ؟ آیا کودکان را با دادن غذائی که دوست دارند در قبال خوردن غذائی که دوست ندارند، تشویق میکنند ؟ آیا موقعی که کودک کار خوب یا بدی میکند از نظر غذا درباره او تشویقات یا تنبیها ت دیگری وجود دارد ؟ آیا رژیم غذائی کودک مانند رژیم غذائی بزرگسالان است یا با آن تفاوت دارد ؟

در چه سنینی يك کودک میتواند به تنهایی غذا بخورد ؟ تا چه سالی سالمندان غذا دادن بكودك را گاه گاه ادامه میدهند ؟ چگونه باید کودک پشت میز قرار گیرد ؟ چه موقعی و چگونه با او یاد میدهند که خوب بنشیند ؟

ه - اعمال دفع .

از چه موقع شروع میکنند کودک را پاکیزگی عادت دهند ؟ آیا مادر او را در انجام این وظایف تشویق میکنند ؟ از چه سالی کودک وقتی که خود را کثیف یا خیس میکند او را سرزنش یا تنبیه میکنند ؟ آیا کلانسالان از کثیف بودن کودک اظهار نفرت میکنند ؟ چگونه عادت پاکیزگی را بكودك القاء میکنند ؟ آیا کودک را روی ظرف قرار میدهند یا او را بخارج میبرند ؟ از چه سالی او احساس میکند که باید پاکیزه باشد ؟ آیا شیوه‌های مختلفی برای فهماندن کودک باینکه خود را کثیف یا خیس نکند بکار میبرند ؟ آیا مادر میخواهد عمل دفع کودک سریع انجام شود ؟ آیا او اندازه و وضع مدفوع کودک را در نظر میگیرد ؟ تا چه سالی ؟ آیا اصولاً این موضوع قابل قبول است که عادات نیکو را در يك دختر ساده تر میتوان رسوخ داد تا يك پسر ؟ در صورتیکه کودک دچار بیوست یا اسهال گردد آیا مادرش مضطرب میشود ؟ داروهای اختیاطی یا درمانی که در موارد مشابه

بکار میروند، کدام هستند؟ آیا مجموعه‌ای مخصوص کودک در باره مسائل راجع پیاکیزی وجود دارد؟ در چه سنینی بکودکان یاد میدهند که احتیاجات خود را در معرض عامه تأمین نکنند و از آن حرفی نزنند؟ آیا بزرگسالان در تأمین حوائج خود در حضور کودکان احتراز میجویند؟ در صورتیکه کودک دچار نفخ، سکسکه و آروغ بشود برای رفع آن چه وسیله‌ای بکار میبرند؟

و - توسعه عوامل محرک .

آیا البسه طوری تهیه شده که بهیچوجه برای حرکات بدن کودک زحمتی ایجاد نکند؟ چه عواملی موجب میشود که البسه برای جلوگیری از حرکات کودک تهیه گردد - مثلاً کهنه های کودک؟ انانی که منحصرأ بکودک اختصاص داده شده کدام است؟ اشخاص بزرگ کودک را همراه خود میبرند؟ آنان چه کسانی هستند؟ آیا این کار غالباً انجام میشود؟ در این صورت چه وضعی بکودک میدهند؟ در چه مقیاسی کودک در این حرکات خود آزاد است؟ در چه سنی؟ آیا بدین موضوع توجه میشود که کودک بفراهم کردن تکیه گاههایی برای خود اهمیت میدهد؟ آنها کدام است؟ در چه موقع و چگونه کودک راه رفتن با چهار دست و پا را یاد میگیرد؟ آیا او بدین کار تشویق میشود یا نه؟ چه موقعی راه رفتن را یاد میگیرد؟ آیا او را برای زود راه رفتن تشویق میکنند؟

در داخل خانه، حدودیکه کودک میتواند در آن آزادانه حرکت کند چیست؟ چگونه کودک در مقابل خطرانی که در داخل منزل (از قبیل بخاری و غیره) یا در خارج از منزل (عبور از کوچه و خیابان، خطر کم شدن) او را تهدید میکند، محافظت میشود؟ در صورتیکه کودک گم شود، مادرش دچار اضطراب میگردد، کودک را تهدید میکنند، او را تنبیه میکنند، یا از موجودات وحشتناکی که باو گزند خواهند رساند، با او صحبت نمسکنند؟

در چه مقیاسی بزرگتران از کودک توقع دارند استراحت کند؟ چه وقت و برای چه مدتی؟ وسائل بازی که برای تشویق کودک بکار میرود کدام است؟
ز - خواب .

در صورتیکه کودک نخواست خواب بر تخت خواب برود چه میکنند؟ بطریق اقناع یا تهدید با او رفتار میکنند؟ او را از «لولو» میترسانند یا مادرش او را در تخت خواب قرار میدهد؟ آیا کودک در همان اطاقی که پدر و مادرش استراحت میکنند، میخوابد یا در اطاق برادران و خواهرانش؟ آیا برای او تخت خواب جداگانه‌ای وجود دارد یا با دیگران میخوابد؟
ح - بهداشت .

در سنین اولیه، بطور کلی شدیدترین خطرات برای کودکان خردسال از قبیل: برودت، رطوبت، کثافت، افراط در خوردن، افراط در حرکت، خراش‌هایی که با ناخن خود روی بدن ایجاد میکند، کدام است؟ پیش‌بینی‌های مقدماتی بهداشتی که دربارهٔ کودک اجراء میشود چیست؟ چگونه از کودک بیمار مراقبت میشود؟

ط - تماس‌های بدنی، استمناء و حرکات شهوانی .
چه کسی کودک را در آغوش میگیرد، او را نوازش میکند، او را میان بازوان خود قرار میدهد، او را روی زانوهای خود مینشانند، او را میخنداند و یا گهوارهٔ او را تکان میدهد، این اعمال تا چه اندازه صورت میگیرد؟ آیا این تماس‌ها بر حسب سن و جنس کودک تغییر میکنند؟ آیا تحت قیود و شرایطی انجام میگیرد؟ آن شرایط کدام است؟ آیا کودک برای در آغوش گرفتن و بوسیدن اشخاص تشویق یا وادار میشود؟ آیا موقعی که کودک استحمام میشود به قسمت‌های تناسلی او توجه مخصوص مینمایند یا عمداً از آن دوری میکنند؟ آیا در مجموعهٔ مربوط بکودکان بخش‌هایی خاصی جهت تعیین قسمت‌های تناسلی وجود دارد؟

آیا عمل استمنا، برای کودکان مجاز است؟ آیا این عمل استثنائی تلقی میشود؟ آیا توجه میشود که دو جنس مختلف در این خصوص وضع متفاوت و متمایزی دارند؟ نتایج متصوره استمنا چیست؟ چگونه از ادامه آن جلوگیری میکنند: از طریق تهدید، مجازات یا بوسیله بستن دستهای کودک؟

آیا کودکان بین خودشان به حرکات شهوانی مشغول میشوند، مثلاً بازی «دکتر» را انجام میدهند؟ این قبیل حرکات و بازیها چگونه تلقی میشود؟

ی - لباس و برهنگی .

در چه سنینی بکودک تلقین میشود که از عریان بودن خود احساس شرمساری کند؟ در مقابل چه کسی؟ برای جبران کم حیائی کودک چه رفتاری میکنند؟ آیا در این خصوص بر حسب دختر یا پسر وضع متفاوتی وجود دارد؟ تا چه سالی در موقع لباس پوشیدن و لباس در آوردن بکودک کمک میشود؟ آیا اعضاء خانواده در مقابل کودک لباس خود را از تن در میآوردند؟ از چه سالی دیگر بکودک لباس نمیپوشانند؟ آیا در تهیه لباس برای پسران یا دختران تفاوت قائل میشوند؟ از چه سالی؟

یا - تمایز بین دختر و پسر .

در چه سالی اختلاف حالات بین پسران و دختران احساس و ظاهر میشود؟ به چه چیزهایی این اختلافات بستگی دارد: طرز انتخاب و مسائل بازی، نوع بازیها، روح تعدی و تجاوز؟ وقتی يك پسر رفتاری مانند يك دختر، دارد یا موقعی که يك دختر اعمال پسرانه را انجام میدهد آنرا چگونه تلقی میکنند؟ آیا اصطلاحاتی از قبیل «مرغ خیس شده» و «پسری که چیزی کم دارد»، بکار میرود؟ آیا پسران و دختران از سنین معینی، در مدرسه یا در زندگی جاری، از یکدیگر جدا میشوند؟ آیا پدر،

دختر را و مادر پسر را ترجیح میدهند یا آنکه وضع معکوسی وجود دارد؟ آیا پسر بیشتر با پدر یا مادرش بسر میبرد؟ یا بایکی از اعضای خانواده بیشتر مأنوس است؟ همین وضع آیا در مورد دختر هم صدق میکند؟ آیا این امتیاز بر حسب سن تغییر میکند؟

ب - روابط بین برادران و خواهران .

آیا کودک از ولادت نزدیک نوزاد قبلاً اطلاع یافته است؟ چگونه تولد کودکان را برای او توضیح میدهند؟ در صورتیکه کودک در این باره کنجکاوی نشان بدهد چه عکس العملی ابراز میکنند؟ آیا کودک در موقع زایمان حضور مییابد یا در آن لحظه او را از آنجا دور نگه میدارند؟ چه کسی مراقبت کودک را هنگام ولادت نوزاد بر عهده میگیرد؟ کودک با نوزاد چگونه رفتار میکند؟ آیا تظاهرات حسد آمیز از ناحیه او سر میزند و برانگیخته میشود؟ آیا اعضای خانواده احساس کودکان را در این باره تحریک میکنند یا رجحانی برای آنان قائل میشوند : مثلاً امتیازی که مادر برای کودک عزیز خود در نظر میگیرد؟ آیا بین کودکان بر حسب سن و شرایط مخصوص تفاوتی قائل میشوند؟ این تقدم بستگی بآن دارد که یکی از آنان را برای بازی بیاغ میفرستند، یا دیگری مثلاً آخرین کودک را « روی زانوهای خود قرار میدهند »؟ برای کودک بزرگتر یا کودک کوچکتر حسن یا عیبی قائل میشوند؟ آیا کودکان هم جنس بیشتر با هم سازش میکنند؟ یا کودکان جنس مخالف؟ در چه صورت بین برادران و خواهران کشمکش و نزاع بوجود میآید؟ آیا منازعات بیشتر بین کودکان هم جنس یا مختلف الجنس ایجاد میشود؟ اعضای خانواده در این میان چه نقشی دارند؟

بج - سایر روابط با اعضای خانواده .

آیا اساساً مادر مراقبت مولود جدید را بر عهده دارد؟ در غیر این

صورت چه کسی این کار را انجام میدهد؟ روابط این شخص با مادر و کودک چگونه است؟ چه مدتی این شخص نزد آنان باقی میماند؟ روابط اولیه کودک با پدرش چگونه است؟ روابط از لحاظ بازی یا اطاعت از پدر؟ چه کسی در وهله اول تصمیم به مجازات کودک میگیرد؟ چه کسی آنرا اجراء میکند؟ (مثلاً، آیا مادر تصمیم میگیرد که باید طفل را تنبیه کرد و آنگاه پدر مجازات را در باره او اجراء میکند؟) آیا اعضا خانواده در رفتار بد کودک مؤثر هستند؟ یابیکی از ایشان با کودک در کتمان این رفتار زشت در مقابل دیگری همداستان میشود؟ رفتار اعضا خانواده نسبت یکدیگر و در حضور کودک چگونه است؟ آیا عدم توافق آنان در باره انضباط بتظاهر صریحی منتهی میشود؟ آیا ایشان در باره سایر مسائل هم مجادله میکنند؟

آیا کودکان تعلیم یافته اند که در مقابل اعضای خانواده خود سپاسگزاری کنند؟ یا اعضای خانواده چنین میپندارند که موظف به تربیت کودکان خود هستند؟ چه خودخواهی ها پدران و مادران در کودکان خود نشوونامیدهند؟ تحت چه اشکالی بین اعضای خانواده و کودکان کشمکش و نزاع در میگیرد؟ ریشه آن چیست؟ دعوا چگونه ختم میشود؟ آیا کودک باید پوزش بخواند؟ آیا منجر میشود باینکه اعضای خانواده بخطاهای خود پی ببرند؟ تا چه سنینی و در چه حدودی سلطه پدر و مادر نسبت بکودک ادامه مییابد؟

۲- روابط با بزرگسالان بطور کلی .

بغیر از اعضا خانواده، بزرگسالانی که نقش مهمی طی دوران اولیه کودک ایفاء میکنند، چه کسانی هستند: دایه ها، خویشان، دوستان خانواده؟ آیا اینان با خانواده کودک زندگی میکنند؟ اغلب آنان را میبینند؟ تا چه اندازه میتوانند جای اعضای خانواده را بگیرند؟ آیا بیشتر یا کمتر از اعضا خانواده نسبت بکودک جدی هستند؟ آیا کودک باید خود را

نسبت با نان مؤدب نشان بدهد؟ آیا در معاشرت‌ها و ملاقات‌ها کودک را دور میکنند؟ کودک هنگام ملاقات چگونه باید رفتار کند؟

په - موضوعات شخصی .

چگونه با کودک می‌آموزند آنچه را که متعلق باو نیست برندارد؛ با استدلال، با امر کردن، با خشونت، با سیلی زدن، با پس گرفتن چیزیکه برداشته است؟ آیا بطور ساده باو می‌فهمانند آنچه را در دست دیگری است نگیرد یا چیزهایی را از روی زمین برندارد؟ بچه نحو کودک را از دست زدن باشیاء شکستنی یا چیزهایی که ممکن است او را بسوزانند یا مجروح کند، باز میدارند؟ آیا کودک دارای اشیاء خصوصی است؟ کدام اشیاء؟ تاچه اندازه آزاد است آنچه را که میخواهد انجام دهد؟ آیا توجه میشود باینکه بطور کلی کودکان غریزه و تمایل تخریب دارند؟ چگونه باو می‌آموزند که این غریزه را مهار و سرکوب کند؟ چه وسائلی را در سنین مختلف برای بازی کودکان بکار می‌برند: اسباب‌خانه، اسباب‌بازی بمعنی مطلق، اسباب‌بازیهای کوچک یا بزرگ - مجتمع و متصل یا منقطع و جدا شده، و غیره؟

یو - تکلم .

آیا بطرز بیان احساسات یا ادراکات (گرسنگی، درد، خشم) در کودکان توجه و دقت میشود، و آنها کدام هستند؟ چه عکس‌العملی بزرگسالان در موقع فریاد و گریه کودک نشان میدهند؟ چگونه و چه وقت با کودک می‌آموزند که نباید گریه کند؟ در چه مورد گریه کودک را هر اندازه بطول انجامد تحمل میکنند؟ آیا در این خصوص اختلافی بین پسر و دختر قائل میشوند؟

آیا نخستین کوشش‌های کودک برای سخن گفتن با تشویق، تحمل و بردباری، یا با بی‌حوصلگی مواجه میشود؟ آیا صحبت‌های کودکانه

خوش آیند یا نامطبوع تلقی میشود؟ چه کسی با کودک صحبت میکند؟
 چه موقع؟ با کودک باخشونت یا با ملایمت حرف میزنند؟
 آیا بکودکان طرز موزون کردن صدای خود را تعلیم میدهند؟
 همچنین قواعد زبان را میآموزند؟ بزرگسالان بهنکام صحبت کودکان را
 بحال خود میگذارند یا اغلب آنان را بخاموش ماندن و گوش دادن مجبور
 میکنند؟ از کودکان توقع دارند که اعمال خود را از شکل عادی خارج
 نکنند؟ در چه سنینی از آنان میخوانند که وهم و تصور را از حقیقت، و دروغ
 را از راست تشخیص دهند؟ چه اهمیتی برای سادگی و صداقت قائل میشوند؟
 یز - آموزش.

از چه سالی تعلیم کودک شروع میشود؟ تعلیم در خانه یا خارج از
 آن داده میشود؟ چه اهمیتی اعضای خانواده برای مطالعه در نظر میگیرند؟
 چه اختلافی بین آموزش دختران و پسران وجود دارد؟ مر بیان معمولاً
 زن هستند یا مرد؟ آیا این وضع طی دوران مطالعه تغییر میکند؟ چه تصویری
 بطور کلی کودکان از معلم خود دارند؟ آیا معلم در کودک ترس، تحسین
 یا تحقیر تلقین میکند؟ کودکان اطوار معلم را تقلید میکنند؟ چه ارتباطی
 بین انضباط آموزشگاه و خانواده وجود دارد؟ آیا انضباط خانه از دبستان
 محکم تر و جدی تر است؟ آیا کودکان بعزت بدکار کردن در کلاس در
 خانه شان تنبیه میشوند؟ آیا اعضای خانواده بتصمیمات معلم ایراد و اعتراض
 میکنند؟ آیا کودکی که در آموزشگاه مطیع و عاقل است در خارج از
 دبستان تشویق یا تحقیر میشود؟

روابط بین شاگردان، چه نوع مسابقه و رقابت بین آنان وجود
 دارد؟ آیا رقیبها نسبت بیکدیگر بدوستی یا دشمنی تظاهر میکنند؟ آیا
 «دسته بندیهای» تشکیل میشود؟ دوستی های شدیدتری ایجاد میگردد؟ از چه
 سالی؟ دوستی که در دبستان بوجود آمده چه مدتی بطول میانجامد؟ اختلاف

جنس در این دوستی‌ها مؤثر است؟ روابط بین دختران و پسران در سنین مختلف.

بج - بازیها، آوازه‌ها، داستانها.

چه نوع بازی، ورزش یا فعالیت‌های بدنی کودکان در سنین مختلف انجام میدهند؟ آیا ورزش‌های فردی، از قبیل شنا و دوچرخه سواری، ترجیح دارند یا بازیهای دسته‌جمعی؟ چه ورزشی برای کیفیتهای ورزشی قائل هستند؟ بازیها بر حسب دختران و پسران متفاوت هستند؟

آیا آوازهائی برای کودکان وجود دارد؟

آیا داستانهای برای کودکان تنظیم شده است؟

آیا کتابهای ممنوع یا قبیح موجود است که کودکان در پنهانی آنها را میخوانند؟ آیا بزرگسالان داستانها و کتابهای متناسب دوران کودکی را بخاطر دارند؟ آیا بزرگسالان خواندن را بکودکان میآموزند؟ تاچه سالی؟ ازچه سالی کودکان میتوانند کتابها را برای بزرگسالان بخوانند؟ چه کتابهایی را برای شروع بخواندن انتخاب میکنند؟

بط - کار.

ازچه سالی کودکان بکار کردن شروع میکنند؟ در خانه یا خارج از آن کار میکنند؟ چه اختلافی در کار کردن بر حسب جنس وجود دارد؟ آیا کودکان بر اثر خوب کار کردن تشویق و بعثت بدکار کردن تنبیه میشود؟ وضع اعضاء، خانواده و کودکان در مقابل کار کودکان؟ کارهای مخصوص کودکان؟ ساعات کار؟

ک - دوران شباب.

بلوغ بایک تحول ناگهانی یا تدریجی ظاهر میشود؟ آیا بلوغ همراه با مراسم تحول، و مستلزم اندرز و نصیحت است؟ آیا بلوغ با تغییر طرز

زندگی، لباس، کاهش یا افزایش آزادی همراه است؟ آیا کودکان بر حسب جنس، حالات و رفتار مختلفی دارند؟ چه چیز و چگونه بدختران درباره حیض (قاعدگی) می آموزند؟ چه کسی با آنان آگاهی میدهد؟ از کجا پسران اطلاعات خود را در خصوص زندگی جنسی کسب میکنند؟ چه اهمیتی برای عفاف قائل میشوند؟ رفتار معمولی جنسی جوانان چیست؟ آیا اعضاء خانواده بدان آگاهی دارند؟ آنرا تأیید و قبول میکنند؟ يك عشق افسانه‌ای نسبت به يك موضوع غیر قابل حصول امری عادی تلقی میشود؟ عشق‌های اولیه محلی برای ابراز بدست می‌آورند؟ به چه کسی اظهار میشود؟ آیا موضوع آن معمولاً همسال، بزرگتر یا کوچکتر از اوست؟ آیا جوانان از مرحله «بحرانی و طوفانی» گذاشته‌اند؟ آیا آنان بزهد یا بی‌دینی تظاهر میکنند؟ آیا تمایل و گرایش بسوی عقاید خارق‌العاده دارند؟ تمایلی بسرکشی و عصیان نشان میدهند؟ در صورت مثبت بر ضد چه قدرت: قدرت خانوادگی، آموزشگاهی، سیاسی، ادبی؟ آیا جوانی بشابۀ دوران خوشبختی یا بدبختی تلقی میشود؟ بر آن نام مخصوصی اطلاق میکنند؟ در چه دورانی يك پسر یا يك دختر جوان احساس میکند که بسن و رشد رسیده است؟

۲- روش‌های تجسس

الف - مذاکره و گفتگو:

۱- با اعضاء خانواده، در خصوص تعلیم و تربیت کودکان؛

۲- با بزرگسالان، درباره خاطرات دوران کودکی؛

(تذکر: بهتر است بندهای ۱ و ۲ تلفیق شوند، بدین معنی که از

اعضاء خانواده درخواست شود که کودکان خود را در نظر بگیرند و

خاطرات مخصوص دوران کودکی خویش را بیاد آورند.)

۳- با اشخاصی که بمناسبت حرفه خویش با مورگان علاقه مند هستند

مانند، معلمان، مربیان، کارکنان اجتماعی، مدیران کانونهای کودکان؛

۴ - باخود کودکان

ب - اسناد منتشر شده

۱ - مجلات مربوط بر رشد و تربیت کودکان، روانشناسی کودکان

و غیره .

۲ - کتب مربوط بکودکان .

ج - ملاحظات مستقیم درباره کودکان :

۱ - در روابط با اعضاء خانواده ، با سایر بزرگسالان و کودکان .

۲ - در خانه ، در هوای آزاد ، در دبستان و غیره .

د - بررسی پدیده های تصویری کودکان (بضمیمه ، صفحه ۳۵

مراجعه شود) :

۱ - نقاشی :

اول (يك موضوع انتخابی : روی يك صفحه سفید ، در يك مربع

مستطیل معین ؛

دوم (يك مرد و يك زن ؛

سوم (مردمیكه يكدیگر را میزنند ؛

چهارم) آنچه را كه كودك میتواند بسیار مطبوع یا خیلی ناپسند

تصور کند ؛

پنجم (چیزیكه در كودك تولید وحشت میکند ؛

ششم (يك وهم و خیال ؛

هفتم (داخل خانه كودك ؛

(تذکر : توضیحاتیكه بوسیله كودكان درباره نقاشیهای خود داده

میشود باید با دقت استماع و ذکر گردد)

۲ - داستانهای خیالی و داستانهای حقیقی که از كودك میخواهند آنها را نقل کنند و کلمه بکلمه بنویسد :

اول (داستان مورد علاقه كودكان ؛

دوم (زندگی يك پسر یا دختر كوچك بی ادب ؛ داستان يك دختر یا يك پسر كوچك خوب و عاقل (بر حسب جنس كودك) ؛

سوم (در صورتیکه آرزوی بسیار عزیز كودك بر آورده شود ، چه میکند ؟

چهارم (توصیف كودك بوسیله خودش ؛

پنجم (شرح حال كودك .

۳ - بازی تخیلی : مانند اجرای صحنه های كوچك بوسیله عروسکها .

ضمیمه

شیوه های تکمیلی بمنظور بررسی پدیده های تخیلی

الف (شرایط مصاحبه و ملاقات .

بهتر است مطالعه کننده بایک یادو كودك تقریباً همسال تنها ملاقات

کند . در صورتیکه كودك مطالعه کننده را نشناسد بهتر است آرامش

خاطر او با حضور كودك دیگری فراهم شود . در این صورت دو كودك

داستانهای مشابهی اختراع و نقل خواهند کرد ، از این طریق ، میتوان تأییری را

که یکی بر دیگری میکند ، مشاهده نمود . لیکن اگر كودك با مطالعه کننده

تنها باشد ، با سانی بکوشش هایی که مطالعه کننده در باره او معمول خواهد

داشت ، خاتمه خواهد داد .

ب - وسائل معرفی .

بکودکی که سن او هنوز بدوره دبستان نرسیده کافیست گفته شود که اسباب بازی را میخواهند باو نشان دهند : از قبیل عروسکهای کوچک ، کاغذ ، مداد ، خمیر برای درست کردن اشیاء . آنگاه باید او را بحال خود گذارند تا بییل خود بازی کند و آنچه میخواهد انجام دهد . در صورتیکه کودک باعروسکها سرگرم بازی شود ، باید از او آنچه را که این عروسکها نمایش میدهند ، پرسند و او را تشویق کنند که حرکات آنها را شرح دهد . در صورتیکه کودک نقاشی کند ، باید باو بگویند که میخواهند يك تصویر بسازد . برای آنکه کودک داستانهای را نقل کند ، بشرط اینکه آنرا دوست بدارد و داستانهای جالبی بیاد داشته باشد یا یکی از آنها را بتواند باز گوید ، کافی است همان را از او بخواهند .

یشک ، میتوان بازیهای تخیلی ، نقاشی و داستانها را برای تقویت نیروی ذهنی کودک تلفیق کرد . مثلاً : موقعیکه کودک باعروسک ، بازی میکند ، مطالعه کننده میتواند باو بگوید : « عروسک مرا وادار کنیم که کار زشتی از او سر بزند : او را به چه کاری وادار کنیم ؟ مادرش چه خواهد گفت ؟ » . کودک خواهد توانست بیاز گفتن يك داستان در خصوص تصویری که خواهد ساخت یا به تخیل داستانهای که نقل خواهد کرد ، راهنمایی و مساعدت شود ؛ شاید کودک در حال ساختن يك مجسمه باخمیر ، آسانتر بتواند صحبت کند .

نباید در روشهای مذکور ، يك برنامه منجز و خشک جستجو کرد . بلکه باید آنرا باتمایلات کودک وفق داد . معینا مفید خواهد بود که حداقل شیوههای قابل اجرا ، در مورد هر يك از کودکان تعیین گردد : مانند باز گذاردن طفل بحال خود تا هر طور میخواهد نقاشی کند ، صورت يك مرد و يك زن را ترسیم نماید ، داستانهای از کودکان مطیع و عاقل یا کودکان شریر نقل کند .

هنگامیکه کودک به سن دبستان میرسد میتواند در باره او روش مستقیم تری بکاربرد: مثلاً بگوید میگویند نقاشی کند یا داستانهای را باز گوید. بعضی اوقات در صورتیکه بگوید که داستانها و آثار نقاشی کودک را جمع آوری خواهند کرد تا از آن کتابی بوجود آورند، کودک کار را با علاقه و اراده بیشتری انجام میدهد.

ج - مقاومت کودک .

کودک ممکن است بطور کلی از خود بدگمانی نشان دهد، یا از اجرای کارهای معین امتناع ورزد و یا هر دو اشکال وجود داشته باشد. شایسته است اصولاً اعتماد کودک بنا بر قابلیت و استعداد او جلب گردد و متقاعد شود که مطالعه کننده باو علاقه مند است و اطمینان حاصل کند که این یا آن کار معین را میتواند انجام دهد. البته هرگز نباید تمام آزمایش را برای گرفتن پاره ای نتایج بکاربرد. چه بسا کودک از انجام کارهای معینی اکراه دارد ولی ممکن است در درجه دیگر آنرا خوب تلقی کند.

باید بکاری شروع کرد که کمتر مقاومت کودک را برانگیزد، مثلاً آنچه احتمالاً ایستادگی کودک را بمیزان کمتری موجب خواهد شد آنستکه از کودک بخواهند يك مرد و يك زن را نقاشی کند، یا باو بگویند « نامطبوع ترین چیز را که تصور میکند » ترسیم نماید.

غالباً مفید است که مطالعه کننده جانب کار خود را رعایت کند و خویشتن را از هر گونه تلقین محفوظ بدارد. در صورتیکه کودک در شروع يك داستان در ننگ و تامل کند میتوان باو موضوع دیگری را یاد آوری و معرفی کرد: مثلاً در باره داستان پسر كوچك یا دختر كوچك بی ادب، مشاهده کننده خواهد توانست پرسد: آیا هرگز شنیده ای از يك پسر كوچك حماقتی سرزده باشد؟ شاید ما میتوانستیم چیزی اختراع کنیم؟ و غیره. مطالعه کننده میتواند همچنین شروع

بنقل يك داستان كند و در عين حال از وارد كردن مطالب تازه در آن امتناع ورز دولی باید كلك كند كه وضع مناسبی بوجود آید ، مثلاً عبارات تجسم دهنده ای را ادا كند از قبیل : « وقتی پسر كوچكى در يك خانه ، در يك شهر بزرگ زندگی میكرد ، و غیره . . »

۵ - تذکرات

لازم است شرایطی را كه در آن تحقیقات بعمل میآید در نظر گرفت - در خانه ، در مدرسه ، در حضور يك یا چند كودك و غیره - همچنین باید محیطی را كه كودك كارهای مختلف خود را در آن انجام میدهد ، در نظر داشت . بعلاوه این موضوع حائز اهمیت است كه مطالعه كننده سؤالات مخصوص و ملاحظات شخصی خود و همچنین آنچه را كه كودك میگوید یادداشت كند .

تأثيرات غير طبيعية در روحیه كودك

گزارش دسته

تنظیم شده بوسیله :

رولاند آساتیانی (فرانسه) (۱)

خانم او اباستاد (نروژ) (۲)

بها باناندا دوتا (هند) (۳)

اوسین تیل (لوکزامبورگ) (۴)

تحت نظر:

خانم آگاتا باولی (انگلستان) (۵)

رئیس دسته

يك فرد متعادل و كسیكه بر شدروحي نائل آمده است بخوبی وظیفه اجتماعی خود را ایفاء میکند و چنین شخص یکی از مردم خوب جهان محسوب میشود و بر کسی كه تعادل یار شد او بمرحله مطلوب نرسیده است ، رجحان دارد. این حقیقتی است كه همه بدان اعتراف دارند .

رشد روانی

تعیین آنچه ما از « رشد روانی » استنباط میکنیم واجد اهمیت است خاصه اینکه ما نخواهیم بکودك در حصول آن كمك کنیم. موقعی میتوانیم از « رشد روانی » سخن بمان آوریم كه يك فرد بتواند :
احساسات خود را بطریق رضایت بخشی بیان کند ؟
بر انگیزه های خود مسلط و حاکم باشد ؟
عكس العمل سریع نشان دهد ؟

Mlle Eva. F. Baastad - 2

Lucien Thill - 4

Roland Assathiany - 1

Bhabananda Dutta - 3

Mlle Agatha H. Bowley - 5

حقوق و خواسته‌های اجتماعی و نیازمندیهای دیگران را بشناسد ؛
خود را با اوضاع دشوار بطریق مطلوبی وفق دهد ؛
مسئولیت‌هایی را بر عهده بگیرد .

فردی که بچنین رشد روحی نائل گردد ، استوار و شایسته انطباق
با محیط است ؛

وی میتواند حاکم بر وجود خود باشد ، صفات نرمی و اغماض ،
اجتماعی بودن و صلاحیت بر او اطلاق گردد .

احتیاجات اساسی روانی

رشد روانی کودک ممکن است تحت تأثیر پاره‌ای عوامل ارثی ،
که تغییر آنها امکان پذیر نیست ، قرار گیرد . مثلاً عملی که کم یا بیش واجد
خصوصیت ذهنی و ادراکی است ، يك اختلال عصبی ارثی یا رنج بردن از
ناتوانی مفرط بدنی . اعضاء خانواده ، معلم و اطرافیان کودک و سائل
مؤثری برای کمک بحصول مرحله مطلوب رشد روحی او در دست دارند .
مهمترین تأثیریکه آنان دارند ارضای حوائج اساسی روانی کودک است .
این نیازمندیها را میتوان به ترتیب زیر خلاصه کرد :

۱ - روابط روحی با بزرگسالانی که در زندگی کودک نقشی را

بازی میکنند (بطور کلی پدران و مادران) ؛

۲ - احساس امنیت ؛

۳ - احساس وابستگی و تعلق ؛

۴ - امکان تکامل آزاد از نقطه نظر بدنی ، فکری و ذهنی

و همچنین استغنائی شخصیت کودک و قبول مسؤلیت بر حسب رشد او ؛

۵ - مراقبت صحیح از جانب یکی از سالمندانی که در کودک

نفوذ دارد .

هرچند تمام این نیازمندیها بمنظور رشد روانی کودک باید تأمین

گردد، لیکن مطلب اول محتملاً اساسی تر و عمیق تر است . تجارب مکتسب در زمینه روانشناسی تربیتی بوضوح نشان داده است که اگر کودک در زندگی بستگیهای روانی ارضا کننده ای بایکی از سالمندان (هر کس که باشند نداشته باشد) هرگز نخواهد توانست باقناع تمایلات روانی طبیعی نائل گردد، چنین کودک از نظر روابط اجتماعی طبیعی عاجز خواهد ماند و با بروز بعضی اختلالات فکری؛ پریشانی حالات یا مشکلات دیگر، دچار مخاطره خواهد شد .

نوع روابط اجتماعی .

نخستین رابطه مهم از نقطه نظر رشد روانی و اجتماعی همانا بین کودک شیرخوار و مادر (یا شخصی که جانشین مادر باشد) وجود دارد کودک از این روابط بستگی دارد که احتیاجات جسمی و روحی او را تأمین میکند . هموست که بکودک غذا میدهد و آسایش و راحت او را فراهم میسازد و باومهر میورزد . نخستین بحرانهای دوست داشتن و تنفر ورزیدن از این پیوستگی بوجود میآید . هنگامیکه مادر حوائج کودک شیرخوار را بر میآورد کودک بایک طغیان روحی بدان پاسخ میدهد ولی موقعیکه انتظار او را انجام ندهد در مقابل احساسات منفی ابراز میکند . روابط آینده بر حسب درجه پایداری ، علاقه مندی ، اشتیاق و دوام رابطه ابتدائی ممکن است خوب یا بد تعیین گردد .

نقش پدر، بویژه عبارتست از :

الف) تأمین آسایش کودک؛

ب) راهنمایی او ؛

ج) برای او هدف بایک سرمشق باشد . علائق روحی خیلی زود بین کودک و پدر ایجاد میشود ، لیکن ظاهراً این علاقه در ابتدا بساندازه علاقه ای که مادر و فرزندان را بیکدیگر نزدیک میکند ، شدید نیست . گاهی

اوقات كودك علائم حسد و دشمنی را نسبت پدرو همچنین در باره علاقه ایكه بین پدر و مادر وجود دارد، نشان میدهند. بطور کلی پدر درها کردن كودك از پیوستگی فشرده ایكه با مادرش دارد سهیم میباشد و تلاشهای كودك را برای بدست آوردن استقلال تسهیل میکند. يك محیط مناسب از نظر روانشناسی، يك كانونیكه در آن اعضاء خانواده نسبت بهم تعلق خاطر دارند نخستین شرط تعادل و توافق روحی كودك محسوب میگردد و بر مبنای آنست كه كودك میتواند بعد از روابط اجتماعی خود را بنحو مطلوبی برقرار سازد. در داخل حلقه خانواده، كودك در حال بزرگ شدن با برادران و خواهرانش مبنای آداب اجتماعی را فرا میگیرد. متدرجاً، گرچه علیرغم میل خودش، او موفق میشود حقوق خود را مخصوصاً بین اعضاء خانواده تشخیص دهد، دشمنی و رقابت ممکن است در لحظاتی تشدید گردد و در حدودی نیز كودك موفق میشود با احساسات خود مبارزه کند، با این حال طرز واکنشی كه اعضاء خانواده در قبال بروز حسادت بین كودكان خود، نشان میدهند، مختصات روابط اجتماعی را كه كودك خارج از حلقه خانواده، برقرار میسازد، تعیین میکنند.

كودکی كه همراه با روابط جدید در میان اجتماع آموزشگاهی و در محیط اجتماعی خود بزرگ میشود، مشروط بر آنكه نیازمندیهای اساسی روانی او تأمین شده باشد، تمایل شدیدی به همنشینی با همسالان خود پیدا میکند. توافق كودك بایکدسته، از يك طرف منوط بسهمی است كه او میتواند نسبت بدان بر عهده گیرد و از طرف دیگر مربوط به توانائی انطباق با توقعات آن دسته میباشد. تجارب اجتماعی بکودك میآموزد كه سایر افراد نیز دارای حقوقی هستند و او در مقابل اجتماع، تكالیفی بر عهده دارد. لیکن در صورتیكه شخصیت كودك بر اثر رفتار ناشایسته اعضاء خانواده منحرف و ضایع شده باشد، زیانی از ناحیه او با اجتماع وارد میشود.